

بررسی نقش تدریس با رویکرد تمام ساحتی بر بهبود عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان

سید محمد قلمکاریان^۱، نسرين فخاری^۲

^۱ . استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش تدریس با رویکرد تمام ساحتی بر بهبود عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان انجام شد. جامعه آماری راکلیه معلمان مقطع دبستان منطقه ۶ اصفهان تشکیل داد که طبق آمار بدست آمده از آموزش و پرورش منطقه ۶ تعداد آنها ۸۷۰ نفر بود. حجم نمونه براساس جدول مورگان ۲۶۵ برآورد شد که به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. پرسشنامه های مورد استفاده پژوهش شامل پرسشنامه عملکرد آموزشی زندگی (۱۳۹۲) و پرسشنامه محقق ساخته رویکرد تمام ساحتی بود که پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برآورد شد و روایی پرسشنامه با تحلیل عاملی تاییدی مطلوب گزارش شد. تجزیه و تحلیل داده ها به روش مدل سازی واز طریق نرم افزار smartpls انجام شد. نتایج پژوهش دال بر این بود که تدریس با رویکرد اعتقادی-دینی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۱۹ درصدی داشت. همچنین تأثیر تدریس با رویکرد زیستی- بدنی بر عملکرد آموزشی (۰/۱۶)، تدریس با رویکرد اجتماعی- سیاسی بر عملکرد آموزشی (۰/۲۱)، تدریس با رویکرد اقتصادی- حرفه ای بر عملکرد آموزشی (۰/۱۷)، تدریس با رویکرد علمی فناوری بر عملکرد آموزشی (۰/۲۰) و تدریس با رویکرد زیباشناختی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان (۰/۱۹) بود. این رویکرد آموزشی با ارتقاء مهارت های تحصیلی، افزایش انگیزه و بهبود رضایت دانش آموزان، می تواند به ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری در این مقطع تحصیلی کمک کند.

واژه های کلیدی: تدریس، رویکرد تمام ساحتی، سند تحول بنیادین، بهبود عملکرد آموزشی، دانش آموزان دبستانی

۱. مقدمه

در دنیای امروز، دانش آموزان برای رویارویی با رویدادهای باورنکردنی هزاره سوم عصر ما، نیاز دارند تا مهارت های تفکر انتقادی و خلاق خود را برای تصمیم گیری صحیح و حل مشکلات پیچیده جامعه توسعه دهند. آنها باید مهارت های تحقیق و حل مسئله و روحیه تحقیق خود را بهبود بخشند (Gurchian, ۲۰۱۳). بدیهی است که نهادهای آموزشی به ویژه آموزش و پرورش برای تحقق این اهداف مسئولیت سنگینی بر دوش خود دارند. این مراکز از یک سو وظیفه اطلاع رسانی و تجهیز دانش آموزان به اطلاعات لازم را بر عهده دارند و از سوی دیگر باید عرصه ای را برای رشد و پرورش خلاقیت، نوآوری و عملکرد آموزشی و استفاده صحیح از استعداد و توانایی فراهم آورند (Ganji et al., ۲۰۱۴).

به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان و جایگاه آنها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون عملکرد آموزشی، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آنچنان که باید پیشرفت و تعالی یابند. پیشرفت تحصیلی ضمن اینکه در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می شود. دانش آموزانی که از موقعیت های تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده احترام به آنان می نگرند. در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت. براین اساس هر نظام آموزشی و تربیتی برای دستیابی به بهترین نتیجه و رفع موانع و کمبودها در سراسر فعالیت ها همواره مورد ارزیابی قرار می گیرد (Farhanaz et al., ۲۰۱۷). از نظر Estarta (۲۰۱۷) and Schmidt مهم ترین و عینی ترین معیار ارزیابی در این نظام ها، پیشرفت تحصیلی و بهبود عملکرد آموزشی است که از نظر علمی دارای اهمیت بسیاری برای پذیرش در کلاس درس، دستیابی به شغل مناسب و غیره است. از جمله معیارهای اصلی کارایی نظام آموزش و پرورش هر کشور میزان پیشرفت تحصیلی فراگیران آن است که برگرفته از عملکرد آموزشی آنان است (Seif, ۲۰۱۸).

دسترسی به آموزش مستلزم تدوین استراتژی تغییر و اعمال تغییرات مناسب در شرایط آینده است. ایجاد ساختار آموزشی مناسب برای مقابله با ویژگی های محیط جدید مستلزم دانش آینده است و بدون آن غیر ممکن است. آموزش و پرورش در مواجهه با تغییرات، نیازمند تحولاتی در ساختار، قوانین و مقررات، روش ها، آیین نامه ها، شیوه نامه های اجرایی و محتوای مطالب آموزشی است (Zareian, ۲۰۱۸). آینده هر کشور متشکل از کودکانی است که هر کدام دارای مهارت های بالقوه ای هستند. وظیفه آموزش به روزرسانی این مهارت هاست. بنابراین، اگر بر این باوریم که اولین هدف تعلیم و تربیت، تربیت افراد متفکر است، پس محصول نهایی تربیت باید ذهن کنجکاو باشد لذا توجه به عملکرد آموزشی دانش آموزان در راس کار آموزش و پرورش است (Sha'bani, ۲۰۲۰).

از آنجایی که کار معلمی کار پیامبر است و معلمان وظیفه رهبری نسل ها را بر عهده دارند، مردم از آنها انتظار دانش محوری، رشد مهارت ها از جمله تفکر خلاق و روحیه پرسشگری را دارند. برای دستیابی به اهداف کار در عصر اطلاعات، معلمان باید به روش های نوین و موثر علم و فناوری روز مجهز و متبحر باشند، زیرا معلمی که دانش دیروز را دارد نمی تواند به دانش آموزان فردا آموزش دهد، بنابراین آموزش و توسعه می خواهد توجه را به آموزش در سراسر حوزه جلب کند، که در بحث یادگیری بسیار مفید است (Faraji & Bidel, ۲۰۱۵).

آموزش و پرورش جامع تمام ساحتی یک فرایند پویا است که از اثر متقابل عوامل مختلف شکل گرفته و با توجه به نیازهای مخاطبین و شرایط موجود دائماً در تغییر نیز به نوبه خود بر عوامل شکل دهنده اولیه اثر می گذارد. از آنجا که مخاطبان آموزشی، افراد انسانی هستند و انسان تحت تأثیر بلوغ و محیط دائماً در حال تغییر است، بنابراین حفظ پویایی در یک نظام آموزشی تضمینی برای حفظ کارآمد بودن آن است. لازمه حفظ این پویایی، تبعیت از خصیصه بومی شدگی یا محلی شدن است (Kakujoybari and Hospian, ۲۰۱۸). به این معنی که پس از پذیرش اصل و فلسفه زیربنایی آموزش و پرورش جامع تمام ساحتی، مجریان چنین برنامه ای در هر منطقه باید از ساخت کامل و دقیقی از ویژگی ها و نیازهای جغرافیایی، اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی آن منطقه برخوردار بوده و متناسب با این ویژگی ها و نیازها و با تکیه بر اصول و فلسفه زیربنایی به

برنامه ریزی اجرایی بپردازد. در واقع تبعیت از فلسفه آموزش و پرورش جامع تمام ساحتی به معنی الگوبرداری صرف و چشم و گوش بسته از برنامه های اجرایی سایر مناطق یا جوامع نیست، بلکه این برنامه باید با خصیصه های ملی و دینی هر جامعه تناسب و همخوانی داشته باشد تا در دراز مدت بتواند با آن جامعه سرشته شده و از کارآمدی لازم برخوردار شود؛ در غیر این صورت اجرای چنین برنامه ای می تواند محکوم به شکست شود (Ghadami, ۲۰۱۵).

آموزش و پرورش جامع تمام ساحتی در واقع دیدگاه متفاوتی نسبت به مسائل آموزش و پرورش دارد و خود را از پاسخگویی تمام نیازهای کودکان می داند، اغلب اوقات کودکان متفاوت از نظر آسیب دیدگی، پیشینه نژادی، زبان و فقر و مانند آن را از جامعه ی محلی و اجتماع حذف می کنند یا به حاشیه می رانند. دربرگرفتن آنان به معنای تغییر نگرش و عملکرد افراد، سازمان ها و موسسات به نحوی است که این کودکان به شکل برابر بتوانند در زندگی جامعه ی محلی و فرهنگ خود مشارکت کنند و در آن سهمیم باشند (Kakujoybari and Hospian, ۲۰۱۸). یادگیری بر اساس رویکرد تمام ساحتی که به جای تأکید بر حفظ کردن مطالب بهترین مهارت های لازم برای زندگی را در دانش آموزان پرورش می دهد. (Stigler, ۲۰۲۳) این رویکرد آموزشی شرایطی را برای دانش آموزان فراهم می کند تا خود دانش آموزان بتوانند با توجه به علایق، توانایی ها و نیازهای فردی خود در جهت یادگیری بهتر گام های عملی بردارند (Maleji, ۲۰۲۰). با آموزش هر موضوع در شش زمینه آموزشی و تربیتی به عنوان محرک خلاق انسان، همان محتوای درسی توسط معلم و خود دانش آموزان ایجاد می شود و باعث استقلال دانش آموز می شود. دانش آموزان فعال و پرسشگر آموزش می بینند تا به طور فعال به جستجوی اطلاعات بپردازند و در مقایسه با همکلاسی های منفعل خود اقدامات لازم را برای کسب مهارت انجام دهند. هنگامی که یادگیرندگان با موانعی مانند شرایط نامناسب، کتاب های پیچیده یا معلمان ضعیف مواجه می شوند، راه هایی برای غلبه بر آنها دارند (Farahnaz et al, ۲۰۲۰).

تحول در نظام آموزش و پرورش کنونی ضرورتی اجتناب ناپذیر است (Najat, ۲۰۱۸). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به منظور تحولی عمیق در نظام تعلیم و تربیت کشور و در جهت تعلیم و تربیت اسلامی تدوین شده است. تحول زیربنایی در آموزش و پرورش بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و برای نیل به اهدافی از جمله ایجاد باور عمیق به اسلام و اندیشه ها و ارزش های والا و در نهایت دستیابی به چشم انداز ۱۴۰۴ طراحی شده است (Supreme Council of Education, ۲۰۱۸). کسانی که می خواهند در این عصر، یعنی عصر حاکمیت علم، فعالیت کنند، لازم است ایده های تازه را جذب، طرح های نو را درک و مسائل غیرسنتی را حل کنند. پس معلمان وظیفه دارند که در مورد گسترش و جذاب کردن علوم مختلف در بین دانش آموزان بیشتر تلاش کنند و به بررسی علل ضعف ها و ارائه راهکارهای لازم در این خصوص بپردازند (Najat, ۲۰۱۸). یکی از راهکارها توجه به حوزه های شش گانه آموزش و پرورش به عنوان نقشی در ایجاد ساختار جدید در نظام آموزشی است. با تدریس تمام وقت، علاقه و انگیزه بیشتری برای یادگیری در دانش آموزان ایجاد می شود و دانش آموزان با علاقه بیشتری به موضوعات گوش می دهند و به این ترتیب سوالات مربوط به درس در ذهن آنها ایجاد می شود. تأکید بر روش های یادگیری کامل در فرآیند آموزشی با استفاده از راهنمایی دانش آموزان یکی از روش های تدریس خلاقانه است که می تواند دانش آموزان را به طرح سوال در حین یادگیری ترغیب کند. در این صورت با استفاده از این روش می توانند موضوع را بهتر یاد بگیرند؛ استفاده از روش های نوین تدریس بر علاقه و یادگیری دانش آموزان تأثیر می گذارد و عملکرد آموزشی آنها را بهبود می بخشد (Farji et al, ۲۰۱۸).

با تأکید به مطالب فوق و نیز لزوم توجه دست اندرکاران به اهمیت و ضرورت کاربردی کردن سند تحول بنیادین در محیط های آموزشی و ارتقای کیفیت آموزشی به وسیله توجه به برنامه درسی پنهان در قالب تدریس تمام ساحتی و توجه به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت و تأثیر آن بر عملکرد آموزشی، و با توجه به کمبود پژوهش های انجام شده در این زمینه پژوهش حاضر به بررسی تأثیر هر کدام از ساحت های تربیتی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، زیستی و زیبایی شناختی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان ابتدایی خواهد پرداخت و سوالی که محقق در پی آن است که به بدان بپردازد این است که آیا تدریس با رویکرد تمام ساحتی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان ابتدایی تأثیر گذار است؟

۲. روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به روش توصیفی-همبستگی مبتنی بر مدل یابی معادلات ساختاری انجام گرفت. جامعه-آماري این پژوهش را کلیه معلمان مقطع دبستان منطقه ۶ اصفهان تشکیل داد که طبق آمار بدست آمده از آموزش و پرورش منطقه ۶ تعداد آنها ۸۷۰ نفر بودند. برای تعیین نمونه تحقیق از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد. براین اساس ۲۶۵ براساس جدول مورگان به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. روش نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری تصادفی بود. برای گردآوری داده ها از دو پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد.

۱) رویکرد تمام ساحتی: برای بررسی متغیر رویکرد تمام ساحتی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برای ساخت پرسشنامه براساس ساحت های شش گانه، ابتدا پایان نامه ها و مقالاتی که در این زمینه کار شده بود مطالعه شد و ساحت های شش گانه مورد بررسی قرار گرفت و برای هر ساحت سوالاتی طراحی شد. سپس با صلاح دید استاد مربوطه پرسشنامه در اختیار چند نفر از اساتید خبره در زمینه تعلیم و تربیت و ساحت های آموزشی قرار گرفت و سوالات اضافه حذف شده و پرسشنامه نهایی تدوین گردید. بدین صورت که برای ساحت اعتقادی-عبادی (۷ سوال)، ساحت زیستی (۵ سوال)، ساحت اجتماعی-سیاسی (۵ سوال)، ساحت اقتصادی-حرفه ای (۵ سوال)، ساحت علمی-فناوری (۵ سوال)، ساحت زیباشناختی (۴ سوال) اختصاص پیدا کرد. طیف ارزش گذاری سوالات بر اساس لیکرت ۵ درجه ای از بسیار زیاد تا بسیار کم طیف بندی شد. پایایی پرسشنامه در دو مرحله ارزیابی شد در مرحله اول بعد از تایید پرسشنامه توسط ۲۰ نفر از شرکت کنندگان پر شد و پایایی اولیه پرسشنامه ۰/۷۹ بدست آمد که در حد مطلوبی بود. در مرحله دوم بعد از توضیح کل پرسشنامه ها پایایی پرسشنامه مطلوب گزارش شد. پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ و برای هر یک از مؤلفه های اعتقادی-دینی ۰/۷۸، زیستی-بدنی ۰/۷۰، سیاسی-اجتماعی ۰/۸۲، اقتصادی-حرفه ای ۰/۸۱، علمی-فناوری ۰/۸۰، زیبایی شناختی-هنری ۰/۷۱ به دست آورد. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق مورد نظر بالاتر از ۰/۷ است که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. برای بررسی روایی صوری پرسشنامه همانطور که ذکر شد توسط چند نفر از اساتید خبره بررسی و مورد تایید نهایی قرار گرفت. برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

۲) پرسشنامه عملکرد آموزشی: این پرسشنامه توسط (Zandi, ۲۰۱۲) طراحی و اعتباریابی شده است که دارای ۲۵ سوال در زمینه عملکرد آموزشی می باشد. به منظور جمع آوری اطلاعات درباره عملکرد آموزشی دبیران، ابتدا با استفاده از ادبیات پژوهش و نظریه های کارشناسان علوم تربیتی و روان شناسی و نیز مدرسان مراکز تربیت معلم و استادان محترم راهنما و مشاور، فهرستی از شاخص های اساسی تهیه گردید. این فرم ها در مورد ۲۰ مدیر و ۲۰ معلم اجرا شد و نتیجه ها مورد بررسی محتوایی و آماری قرار گرفت؛ از همین رو در برخی پرسش ها و تعداد آنها تجدیدنظر شد. شاخص های عملکرد آموزشی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، شامل آن دسته از مهارت هایی است که تقریباً در تدریس همه مواد درسی ضرورت اساسی دارد و همه معلمان صرف نظر از نوع درسی که تدریس می کنند باید از آن برخوردار باشند. مانند داشتن طرح درس، توانایی هدایت بحث های گروهی و مانند این ها. گزینه سوالات به صورت «عالی»، «مطلوب»، «قابل قبول» و «قابل بهبود» است که به ترتیب از ۴ تا ۱ نمره گذاری شده اند. مقدار آلفای کرونباخ برای پرسشنامه عملکرد آموزشی در پژوهش (Zandi, ۲۰۱۲) برابر با ۰/۸۲۴ بدست آمد که چون بیشتر از ۰/۷۰ است بنابراین می توان گفت سوالات این پرسشنامه نیز دارای پایایی مناسب هستند. پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۶ برآورد شد.

۳. یافته ها

تعداد ۲۳۰ نفر معادل (۸۶/۸) درصد پاسخگویان مرد و تعداد ۳۵ نفر معادل (۱۳/۲) درصد آنان زن می باشد. نحوه ی توزیع پاسخگویان بر اساس تاهل حاکی از آن است که (۷۶/۲) درصد پاسخگویان متاهل و (۲۳/۸) درصد مجرد می باشد. سن (۴۰/۸) درصد پاسخگویان بالای ۴۰ سال، (۲۵/۷) درصد بین ۳۶ تا ۴۰ سال، (۰/۱۷) درصد بین ۳۱ تا ۳۵ سال، (۱۴/۳) درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال و (۲/۳) درصد زیر ۲۵ سال می باشد. از طرفی سابقه خدمت (۳۱/۳) درصد پاسخگویان بالاتر از ۱۵ سال، (۳۰/۲)

درصد کمتر از ۵ سال، (۲۷/۲) درصد بین ۶ تا ۱۰ سال، (۱۱/۳) درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال می باشد. نتایج نشانگر آن است که تحصیلات بیشتر پاسخگویان لیسانس (۵۵/۱) درصد می باشد.

جدول ۱. توزیع میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق

عوامل	میانگین	انحراف معیار
رویکرد اعتقادی-اخلاقی	۲۷/۳۵	۵/۵۸
رویکرد زیستی-بدنی	۱۹/۸۱	۴/۱۷
رویکرد سیاسی-اجتماعی	۲۰/۱۳	۴/۰۴
رویکرد اقتصادی-حرفه ای	۱۹/۲۵	۴/۵۴
رویکرد علمی-فن آوری	۱۹/۳۱	۴/۴۱
رویکرد زیبایی شناختی-هنری	۱۵/۷۳	۳/۳۵
عملکرد آموزشی	۸۵/۳۱	۱۲/۹۲

میانگین و انحراف معیار عوامل مورد بررسی در جدول ۱، ارائه شده است. طبق اطلاعات بدست آمده میانگین رویکرد اعتقادی-اخلاقی (۲۷/۳۵)، رویکرد زیستی-بدنی (۱۹/۸۱)، رویکرد سیاسی-اجتماعی (۲۰/۱۳)، رویکرد اقتصادی-حرفه ای (۱۹/۲۵)، رویکرد علمی-فن آوری (۱۹/۳۱) و رویکرد زیبایی شناختی-هنری (۱۵/۷۳) می باشد.

برای بررسی تأثیر تدریس با رویکرد تمام ساحتی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان از مدل سازی معادلات ساختاری بهره می گیریم. برای بررسی پایانی مدل از معیار ضریب آلفای کرونباخ و معیار پایانی ترکیبی (CR) استفاده شده است. در این تحقیق، مقادیر ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) مربوط به هر کدام از ابعاد پرسشنامه تحقیق در جدول (۲) آمده و برای بررسی روائی مدل از روائی همگرا جدول (۳) استفاده شده است.

جدول ۲. معیارهای کلی کیفیت مدل برازشی

متغیرهای تحقیق	آلفای کرونباخ $\alpha > 0.7$	پایایی ترکیبی $CR > 0.7$	میانگین واریانس استخراجی $AVE > 0.4$
رویکرد اعتقادی-دینی	۰/۷۸	۰/۸۶	۰/۶۱
رویکرد زیستی-بدنی	۰/۷۰	۰/۸۳	۰/۶۲
رویکرد سیاسی-اجتماعی	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۵۸
رویکرد اقتصادی-حرفه ای	۰/۸۱	۰/۸۷	۰/۵۷
رویکرد علمی-فن آوری	۰/۸۰	۰/۸۷	۰/۶۳
رویکرد زیبایی شناختی-هنری	۰/۷۱	۰/۸۳	۰/۶۲
رویکرد تمام ساحتی	۰/۸۹	۰/۸۶	۰/۶۷
عملکرد آموزشی	۰/۸۳	۰/۸۲	۰/۵۷

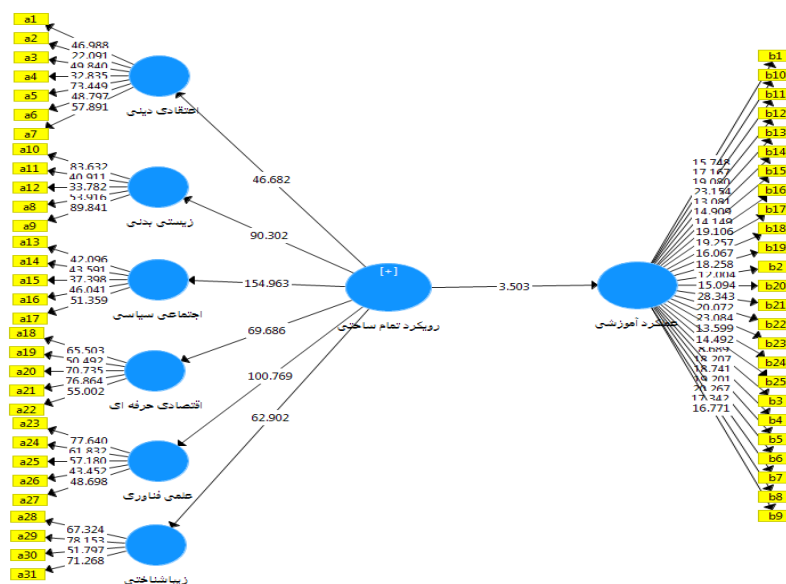
مطابق با جدول ۲، ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای متغیرهای تحقیق مورد نظر بالاتر از ۰/۷ است که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. همچنین میزان روائی همگرا از ۰/۴ بیشتر است لذا روائی متغیرهای تحقیق مورد قبول است.

جدول ۳. روائی واگرا روش فورنل و لارکر

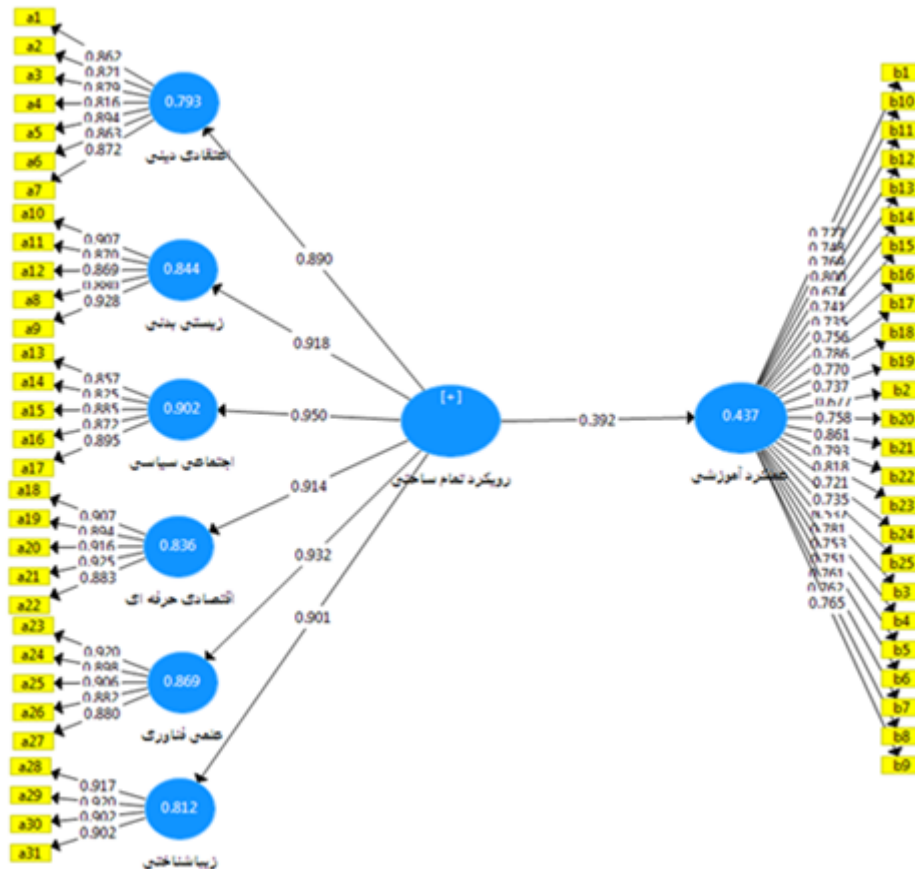
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. رویکرد اعتقادی-اخلاقی	۰/۷۸۲							
۲. رویکرد زیستی-بدنی	۰/۵۳۸	۰/۸۶۸						

۰/۸۷۰	۰/۶۷۰	۰/۷۲۱	۳. رویکرد سیاسی-اجتماعی
۰/۷۶۷	۰/۶۲۳	۰/۳۴۰	۴. رویکرد اقتصادی-حرفه‌ای
۰/۷۹۱	۰/۴۹۹	۰/۵۳۱	۵. رویکرد علمی-فن آوری
۰/۷۶۱	۰/۵۰۰	۰/۷۴۴	۶. رویکرد زیبایی شناختی-هنری
۰/۷۹۳	۰/۴۹۹	۰/۳۶۹	۷. رویکرد تمام ساحتی
۰/۸۲۳	۰/۴۷۱	۰/۳۹۵	۸. عملکرد آموزشی

مطابق داده‌های جدول ۳، مجذور روایی هم‌گرایی هر سازه از مقادیر همبستگی بین سازه‌های دیگر بزرگتر می‌باشد؛ لذا مدل تحقیق، از نظر روایی و اگر مطابق روش فورنل و لارکر مورد تأیید می‌باشد. برای بررسی برازش مدل پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین معیار، ضرایب معناداری t است. برازش مدل با استفاده از ضرایب t به این صورت است که این ضرایب باید از $1/96$ بیشتر باشند تا بتوان در سطح اطمینان 95% معنادار بودن آن‌ها را تأیید ساخت. البته باید توجه داشت که اعداد t فقط صحت رابطه‌ها را نشان می‌دهند و شدت رابطه‌ی بین سازه‌ها را نمی‌توان با آن‌ها سنجید. در سطح اطمینان 95% و در صورتی که مقدار آماره t بیشتر از $2/58$ گردد، ضریب مسیر در سطح اطمینان 99% معنادار است. ضرایب معناداری t مربوط به مسیرهای مدل تحقیق در شکل (۱) نمایش داده شده‌است.



شکل ۱. مقدار ضریب (t) مدل تحقیق

شکل ۲. ضرایب مسیر، مقادیر بارهای عاملی و R^2

دومین معیار مهم برای بررسی برازش مدل ساختاری، بررسی ضریب تخصیص R^2 با توجه به متغیر پنهان درون‌زا است. این معیار باعث می‌شود که بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل سازی توسط معادله ساختاری به هم مرتبط شوند. لازم به ذکر است که مقدار R^2 در مدل بیان شده و فقط برای ساختار خارجی محاسبه می‌شود. بر این اساس سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳، ۰/۶۷ به عنوان آستانه برای R^2 پایین، متوسط و زیاد پیشنهاد می‌کنند و مقادیر بالا نشان دهنده برازش بهتر مدل است. معیار اندازه اثر f^2 شدت رابطه میان سازه‌های مدل را تعیین می‌کند و مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب نشان از اندازه تأثیر کوچک، متوسط و بزرگ یک سازه بر سازه دیگر است. در این تحقیق مقدار معیار اندازه تأثیر (f^2) مرتبط با متغیرهای تحقیق در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. اندازه اثر f^2 متغیرهای تحقیق

مسیر	اندازه اثر
رویکرد تمام ساحتی ← عملکرد آموزشی	۰/۳۲

مطابق نتایج بدست آمده از جدول ۴، اندازه اثر رویکرد تمام ساحتی بر عملکرد آموزشی ۳۲ درصد است. معیار Q^2 قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد و در صورتی که مقدار (Q^2) در مورد یک سازه رون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب نماید، به ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه‌های برون‌زای مربوط به آن را دارد. مقادیر معیار (Q^2) متعلق به متغیرهای تحقیق در جدول ۶، نشان داده شده است.

جدول ۵. مقادیر (Q²) متغیرهای تحقیق

مقدار Q ²	متغیرهای تحقیق
۰/۲۱	رویکرد اعتقادی- دینی
۰/۲۲	رویکرد زیستی- بدنی
۰/۲۴	رویکرد سیاسی- اجتماعی
۰/۲۲	رویکرد اقتصادی- حرفه‌ای
۰/۲۰	رویکرد علمی- فن آوری
۰/۱۹	رویکرد زیبایی شناختی- هنری
۰/۲۶	رویکرد تمام ساحتی
۰/۳۱	عملکرد آموزشی

مطابق نتایج جدول ۵، مقدار (Q²) برای متغیرهای تحقیق از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند و مدل تحقیق از نظر وضعیت (Q²) مورد تایید می باشد.

بر اساس مدل شکل ۱، و نتایج حاصل از برازش می توان گفت رابطه بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد طبق مسیرهای پیش بینی شده معنادار است. بنابراین مدل محقق مورد تایید قرار می گیرد.

برازش مدل کلی (معیار نیکویی برازش / GoF)

برای بررسی درجه کنترل کلی نمونه برای اندازه ها و ساختار عاملی، امتیاز GoF به شرح زیر محاسبه شد:

$$gof = \sqrt{average(AVE) * average(R^2)}$$

میانگین مقادیر اشتراکی براساس اطلاعات جدول (۶) برابر است با ۰/۸۴ و میانگین ضریب تعیین برابر ۰/۷۹ در نتیجه، مقدار معیار GoF برابر است با ۰/۸۱ که این نشان از برازش مطلوب مدل دارد. فلذا بر اساس مدل شکل (۱) و نتایج حاصل از برازش شکل (۲) می توان گفت رابطه بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد طبق مسیرهای پیش بینی شده معنادار است و مدل از نیکویی برازش مطلوب برخوردار است. پس می توان گفت تدریس با رویکرد تمام ساحتی بر عملکرد آموزشی دانش-آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۳۹ درصدی دارد.

جدول ۷. شاخص های برازش مدل تأثیر رویکرد اعتقادی- دینی بر عملکرد آموزشی

شاخص	مقدار
SRMR	۰/۰۶
d-ULS	۲/۲۹
d-G	۱/۴۷
NFI	۰/۷۵
RMS-theta	۰/۱۱
X ²	۱۹۵۳/۱۴
مقدار t ضریب بین دو متغیر مکنون	۲/۱۸

شاخص SRMR به عنوان تفاوت بین همبستگی مشاهده شده و ماتریس همبستگی ضمنی مدل تعریف می شود. در مدل برازشی مقدار شاخص SRMR برابر ۰/۰۶ از ۰/۱ کمتر است که نشان از برازش مطلوب است. دو معیار فاصله اقلیدسی (d_ULS) و فاصله ژئودزیکی (d_G) برای ارزیابی برازش مدل در حداقل مربعات جزئی با عنوان معیارهای تناسب راستین

شناخته می‌شوند. کاندوس و دبرا از این معیارها برای محاسبه اختلاف از ماتریس‌های کوواریانس استفاده کرده‌اند. میزان اختلاف کمتر از واحد است لذا برازش مدل مطلوب است.

شاخص NFI از شاخص‌های نیکویی برازش است که مقدار بالای ۰/۷ نشان از برازش مدل مناسب دارد در مدل برازشی NFI برابر ۰/۷۵ است. شاخص RMS_theta ریشه میانگین مربعات ماتریس کوواریانس باقیمانده مدل خارجی است و درجه همبستگی باقیمانده‌های مدل بیرونی را ارزیابی می‌کند. مقدار آن در مدل برازشی ۰/۰۹ از حد قابل قبول آن (۰/۱۲) کمتر است که نشان از برازش مطلوب مدل دارد و به این معنی است که همبستگی بین باقیمانده‌های مدل بیرونی برابر ۱۱ درصد است. شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد مدل برازشی از دقت مطلوب برخوردار است و رابطه بین متغیرها در سطح اطمینان ۰/۹۵ با توجه به مقدار t برابر ۲/۱۸ بزرگتر از ۱/۹۶ معنادار است. بنابراین فرضیه اول محقق مورد تایید قرار می‌گیرد و می‌توان گفت تدریس با رویکرد اعتقادی-دینی بر عملکرد آموزشی دانش‌آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۱۹ درصدی دارد.

جدول ۷. شاخص‌های برازش مدل تأثیر رویکرد زیستی-بدنی بر عملکرد آموزشی

شاخص	مقدار
SRMR	۰/۰۶
d-ULS	۱/۹۶
d-G	۱/۳۶
NFI	۰/۷۵
RMS-theta	۰/۱۱
X ^۲	۱۸۲۵/۳۵
مقدار t ضریب بین دو متغیر مکنون	۲/۱۲

در مدل برازشی مقدار شاخص SRMR برابر ۰/۰۶ از ۰/۱ کمتر است که نشان از برازش مطلوب است. شاخص NFI برابر ۰/۷۵ نشان از نیکویی برازش مدل دارد. همبستگی بین باقیمانده‌های مدل بیرونی برابر ۱۱ درصد است. در کل شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد مدل برازشی از دقت مطلوب برخوردار است و رابطه بین متغیرها در سطح اطمینان ۰/۹۵ با توجه به مقدار t برابر ۲/۱۲ بزرگتر از ۱/۹۶ معنادار است. بنابراین فرضیه دوم محقق مورد تایید قرار می‌گیرد و می‌توان گفت تدریس با رویکرد زیستی-بدنی بر عملکرد آموزشی دانش‌آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۱۶ درصدی دارد.

جدول ۸. شاخص‌های برازش مدل تأثیر رویکرد اجتماعی-سیاسی بر عملکرد آموزشی

شاخص	مقدار
SRMR	۰/۰۶
d-ULS	۱/۹۷
d-G	۱/۳۵
NFI	۰/۷۴
RMS-theta	۰/۱۰
X ^۲	۱۸۰۹/۴۲
مقدار t ضریب بین دو متغیر مکنون	۳/۱۴

در مدل برازشی مقدار شاخص SRMR برابر ۰/۰۶ از ۰/۱ کمتر است که نشان از برازش مطلوب است. شاخص NFI برابر ۰/۷۴ نشان از نیکویی برازش مدل دارد. همبستگی بین باقیمانده های مدل بیرونی برابر ۱۰ درصد است. در کل شاخص های برازش مدل نشان می دهد مدل برازشی از دقت مطلوب برخوردار است و رابطه بین متغیرها در سطح اطمینان ۰/۹۵ با توجه به مقدار t برابر ۳/۱۴ بزرگتر از ۱/۹۶ معنادار است. بنابراین فرضیه سوم محقق مورد تایید قرار می گیرد و می توان گفت تدریس با رویکرد اجتماعی- سیاسی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۲۱ درصدی دارد.

جدول ۹. شاخص های برازش مدل تأثیر رویکرد اقتصادی- حرفه ای بر عملکرد آموزشی

شاخص	مقدار
SRMR	۰/۰۷
d-ULS	۲/۰۷
d-G	۱/۳۴
NFI	۰/۷۶
RMS-theta	۰/۱۲
X ^۲	۱۷۷۹/۵۶
مقدار t ضریب بین دو متغیر مکنون	۲/۱۹

در مدل برازشی مقدار شاخص SRMR برابر ۰/۰۷ از ۰/۱ کمتر است که نشان از برازش مطلوب است. شاخص NFI برابر ۰/۷۶ نشان از نیکویی برازش مدل دارد. همبستگی بین باقیمانده های مدل بیرونی برابر ۱۲ درصد است. در کل شاخص های برازش مدل نشان می دهد مدل برازشی از دقت مطلوب برخوردار است و رابطه بین متغیرها در سطح اطمینان ۰/۹۵ با توجه به مقدار t برابر ۲/۱۹ بزرگتر از ۱/۹۶ معنادار است. بنابراین فرضیه چهارم محقق مورد تایید قرار می گیرد و می توان گفت تدریس با رویکرد اقتصادی- حرفه ای بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۱۷ درصدی دارد.

جدول ۱۰. شاخص های برازش مدل تأثیر رویکرد علمی- فناوری بر عملکرد آموزشی

شاخص	مقدار
SRMR	۰/۰۶
d-ULS	۱/۹۵
d-G	۱/۲۴
NFI	۰/۷۶
RMS-theta	۰/۱۱
X ^۲	۱۷۸۹/۷۸
مقدار t ضریب بین دو متغیر مکنون	۳/۷۲

در مدل برازشی مقدار شاخص SRMR برابر ۰/۰۶ از ۰/۱ کمتر است که نشان از برازش مطلوب است. شاخص NFI برابر ۰/۷۶ نشان از نیکویی برازش مدل دارد. همبستگی بین باقیمانده های مدل بیرونی برابر ۱۱ درصد است. در کل شاخص های برازش مدل نشان می دهد مدل برازشی از دقت مطلوب برخوردار است و رابطه بین متغیرها در سطح اطمینان ۰/۹۵ با توجه به مقدار t برابر ۳/۷۲ بزرگتر از ۱/۹۶ معنادار است. بنابراین فرضیه پنجم محقق مورد تایید قرار می گیرد و می توان گفت تدریس با رویکرد علمی فناوری بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۲۰ درصدی دارد.

جدول ۱۱. شاخص های برازش مدل تأثیر رویکرد زیباشناختی بر عملکرد آموزشی

شاخص	مقدار
SRMR	۰/۰۶
d-ULS	۲/۰۶
d-G	۱/۳۵
NFI	۰/۷۴
RMS-theta	۰/۱۰
X ^۲	۱۷۹۱/۴۴
مقدار t ضریب بین دو متغیر مکنون	۲/۵۴

در مدل برازشی مقدار شاخص SRMR برابر ۰/۰۶ از ۰/۱ کمتر است که نشان از برازش مطلوب است. شاخص NFI برابر ۰/۷۴ نشان از نیکویی برازش مدل دارد. همبستگی بین باقیمانده های مدل بیرونی برابر ۱۰ درصد است. در کل شاخص های برازش مدل نشان می دهد مدل برازشی از دقت مطلوب برخوردار است و رابطه بین متغیرها در سطح اطمینان ۰/۹۵ با توجه به مقدار t برابر ۲/۵۴ بزرگتر از ۱/۹۶ معنادار است. بنابراین فرضیه ششم محقق مورد تأیید قرار می گیرد و می توان گفت تدریس با رویکرد زیباشناختی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۱۹ درصدی دارد.

۴. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تدریس با رویکرد تمام ساحتی بر بهبود عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان انجام شده است. با توجه به یافته های پژوهش، تدریس با رویکرد تمام ساحتی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۳۹ درصدی داشت. یافته های این نتیجه، نتایج تحقیق با یافته های (Kaviani Morshidi Boini (۲۰۲۳)، Fakhri et al. (۲۰۲۳)، Bijnvand and Bagheri (۲۰۱۶)، according to Stigler (۲۰۲۳)، Herman (۲۰۲۳) همخوانی دارد.

عرصه تعلیم و تربیت از مهم ترین زیرساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. نظام آموزشی به عنوان شاخص ترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی عصر حاضر، متولی امر تعلیم و تربیت و پرورش اجتماعی آحاد مردم جامعه، حافظ و ناقل میراث فرهنگی، و رشد و شکوفایی همه جانبه جامعه است. تحول در سیستم آموزش و پرورش از جمله موضوعاتی است که بیشتر نظام ها و جوامع همواره آن را مد نظر قرار می دهند و از آنجا که زیرساخت هر نوع توسعه ای در کشورها را می توان در نظام تعلیم و تربیت آن جستجو کرد، پس ایجاد تحول در این بخش از ضرورت های مهم و اساسی به شمار می رود. سند تحول بنیادین به عنوان نقشه و قانون اساسی آموزش و پرورش جهت رسیدن به اهداف عالی تعلیم و تربیت بر اساس آموزه های دینی، قرآنی و اسلامی تهیه شده است. در بررسی و نگاه به درون نظام آموزشی، ضمن آنکه باید نوعی نگرش نظام مند داشت، می توان نقش معلم را ممتاز نمود. نقش معلم همانا ایجاد انگیزه، هدایت و تشویق یادگیرندگان به یادگیری است تا در پرتو راهنمایی های داهیان و فکورانه وی، دانش آموزان، خود راهنمای خویش شوند. بنابراین می توان بر این نکته به جد تأکید کرد که کیفیت و قابلیت های معلمان شاغل در نظام آموزشی براساس رویکرد تمام ساحتی، آیینه تمام نمای کیفیت آموزش و پرورش می باشد. نظام آموزش و پرورش و به عبارت بهتر تعلیم و تربیت، به طور بالقوه یکی از محوری ترین و تعیین کننده ترین نهادهای اجتماعی در تحقق توسعه کشور به حساب می آید.

یکی از اساسی ترین وظایف هر نظام تربیتی ارائه تصویری روشن از انسان مطلوب است و گویاترین شاهد بر ضرورت وجود یک نظام آموزشی، توجه به آینده است. تحول اساسی و پایدار در هر جامعه در گرو متحول شدن نظام تعلیم و تربیت آن جامعه است و محور اصلی تحول و توسعه ی نظام تعلیم و تربیت بهبود کیفیت کار معلم، شناخت و ویژگی های آنها می باشد. رویکردهای تمام ساحتی بعد غیرقابل پیش بینی یادگیری است. طراحی آموزشی بدون توجه به این بعد از بخش مهم عواملی است که در یادگیری دانش آموزان تأثیر زیادی دارند. معلمان در طراحی آموزشی به عوامل آشکار موارد در تدریس توجه می کنند و از عوامل پنهان غافل می مانند. لازم است عوامل اساسی مؤثر در شکل گیری رویکردهای تمام ساحتی شناسایی و آشکار شوند و تا حدودی در طراحی و اجرای تحت ضابطه و کنترل در آیند. یکی از عوامل که در کم کردن فاصله بین برنامه درسی رسمی و پنهان تأثیر دارد، مشارکت دانش آموزان در جریان آموزش است. در صورت مشارکت آنان در طراحی و اجرای تدریس، فعالیت های یادگیری را با اهمیت تلقی خواهند کرد و با علاقه و آگاهی برای یادگیری و نایل شدن به هدف های آموزشی تدریس خواهند نمود. بنابراین معلمان باید عوامل مؤثر در برنامه درسی را شناسایی کنند و با در نظر گرفتن آنها در طراحی و اجرای آموزشی عمل نماید. از طرفی معلمان باید بدانند استفاده از روش های نوین آموزشی از جمله تدریس تمام ساحتی در فرایند تدریس باعث افزایش مشارکت و فعالیت دانش آموزان شده و به عبارتی می توانند کلاس را از حالت قالبی و خشک خارج می کند و اعتماد به نفس، نوآوری، آزاداندیشی و ... را در دانش آموزان پرورش می دهد. طبق نتایج این تحقیق، تدریس تمام ساحتی و توجه به شش ساحت تعلیم و تربیت در تدریس گامی مثبت و قابل ارج در راستای تحول نظام آموزشی و بهبود عملکرد آموزشی دانش آموزان می باشد. ساحت های شش گانه تربیتی بعنوان ابعاد وجودی انسان و رشد همه جانبه و متوازن، در جهت تعالی شخصیت و تحقق مراتبی از حیات طیبه است. تدریس فعال تمام ساحتی، تنوع و جذابیت درس را افزایش داده و باعث ارتقا همه جانبه معلمان شده که با آگاهی بخشی به دانش آموزان انگیزه درونی آنها برای یادگیری را بیشتر و حس کنجکاوی درباره مطلب مورد نظر را فعال می کنند و سوالات جدید در ذهن آنها نقش می بندد که منجر به ایجاد خلاقیت در آنان می شود و در نهایت یادگیری لذت بخش تر و عمیق تر می شود

یافته دیگر پژوهش نشان داد تدریس با رویکرد اعتقادی-دینی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۱۹ درصدی دارد. نتایج تحقیق با مطالعات رهبرو بصیری توچاهی (۱۴۰۱)، کاویانی و مرشدی بوبینی (۱۴۰۲)، فخری و همکاران (۱۴۰۲)، وفاپی و همکاران (۱۳۹۵)، وفاپی، فضل الهی و طالعی فرد (۱۳۹۶) همسو می باشد. تدریس با رویکرد اعتقادی-اخلاقی در شکوفایی روحیه پرسشگری و خلاقیت دانش آموزان در مدرسه تأثیر زیادی دارد. این ساحت بر انتخاب آگاهانه و اختیاری دین حق به عنوان آیین زندگی، التزام (عملی) آگاهانه و اختیاری نظام معیار دینی در همه شئون زندگی (تقید اختیاری به احکام و ارزش های دینی و اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره) و تلاش پیوسته برای خودسازی براساس نظام معیار دینی (حفظ کرامت و عزت نفس، خویشستن داری و مهار غرائز طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات طبیعی، رعایت آداب و کسب صفات و فضائل اخلاقی و پیشگیری از تکوین صفات و رذائل غیراخلاقی و درمان آنها) تأکید دارد. اندیشمندان معتقدند با توجه به اقتضات آموزش و پرورش در عصر جدید و لزوم همخوانی بیشتر کتاب های درسی با رویکردها و ساحت های سند تحول بنیادین، برنامه ریزان درسی با استفاده از برنامه درسی مارپیچی برونر با تدوین طراحی برنامه درسی براساس این ساحت می توانند عملکرد آموزشی دانش آموزان را براساس این ساحت بهبود و تقویت بخشند. برنامه درسی مارپیچی یک روش تنظیم محتوا است که در آن برخی مفاهیم، عقاید یا موضوع های اساسی به تدریج در طول برنامه درسی عرضه می شوند، بدون آن که تمامی زمینه مورد یادگیری به طور کامل و منظم تکرار شود. در این شیوه با تعیین توالی تجربیات یادگیری دانش آموزان با جنبه های معین موضوعات آشنا می شوند و موقعیت برای برخورد دوباره آنها در شکل پیچیده تری در سال های متوالی فراهم می شود. این شیوه برای این بوجود آمده که مطالعات دانش آموزان را عمیق تر می سازد.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد تدریس با رویکرد زیستی بدنی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۱۶ درصدی دارد. نتایج تحقیق با مطالعات Kaviani Morshidi Boini (۲۰۲۳), Fakhri et al. (۲۰۲۳), Vafaei (۲۰۲۳)

(۲۰۱۶) et al. همسو می باشد. با توجه به اینکه روش تدریس با رویکرد زیستی-بدنی ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی دانش آموزان است و به تقویت قوای جسمی و روانی می پردازد و مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت را در راستای کار خود دارد، لذا چنانچه آموزش و پرورش نسل جوان بر اساس این پایه صورت گیرد دانش آموزان را نسبت به عواقب و تأثیرات منفی آلودگی محیط زیست آگاه ساخته و نوعی احساس تعهد فکری و التزام عملی نسبت به محیط زیست در آنها به وجود می آید. لذا به نظر می رسد آموزش این رویکرد در دانش آموزان می تواند به ارتقای بهداشت روحی دانش آموزان در راستای آموزش و پرورش آن کمک بزرگی نماید. از این رو تقویت این رویکرد در آموزش به معلمان توصیه می گردد.

از طرفی یافته دیگر پژوهش نشان داد تدریس با رویکرد اجتماعی-سیاسی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۲۱ درصدی دارد. نتایج تحقیق با مطالعات (۲۰۲۳) Fakhri et al., (۲۰۲۳) Kaviani Morshidi Boini (۲۰۱۶) Vafaei et al., (۲۰۲۳) همسو می باشد. آموزش رویکرد اجتماعی-سیاسی باعث بهبود ارتباط مناسب با اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و ... می شود و از طرفی فرد می تواند با آموزش این رویکرد تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی برقرار کرده و به رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاس داشت ارزش های اجتماعی مقید گردد و با کسب دانش، اخلاق اجتماعی و مهارت های ارتباطی همچون بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین المللی، حفظ وحدت و تفاهم ملی به پیشرفت در زندگی نائل گردد. لذا به نظر می رسد تدریس دروس آموزشی بر اساس این رویکرد باعث اجتماعی شدن دانش آموزان و بهبود عملکرد آموزشی و همچنین بهبود جنبه سیاسی زندگی آنها می شود لذا با تقویت این رویکرد در حیطه برنامه درسی می توان ارتباطات اجتماعی و سیاسی دانش آموزان را بهبود بخشید.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد تدریس با رویکرد اقتصادی-حرفه ای بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۱۷ درصدی دارد. نتایج تحقیق با مطالعات (۲۰۲۳) Fakhri et al., (۲۰۲۳) Kaviani Morshidi Boini (۲۰۱۶) Vafaei et al. همسو می باشد. با توجه به اینکه رویکرد اقتصادی در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه ای و درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه ای، التزام به اخلاق حرفه ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار، احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش ها در روابط اقتصادی در افراد کمک می کند، لذا آموزش این بعد از حیطه اقتصادی به دانش آموزان کمک خواهد کرد تا در آینده بهتر بتوانند با مشکلات اقتصادی زندگی برخورد کنند. لذا آماده سازی دانش آموزان از نظر اقتصادی ضروری است که توجه آن در آموزش و پرورش الزامی به نظر می رسد. تقویت این رویکرد از طرفی می تواند عملکرد آموزشی را نیز بهبود ببخشد. لذا در سند برنامه درسی ملی هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی، تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش آموزان می باشد به گونه ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب کنند. لذا با وجود تأکید سند برنامه درسی بر لزوم ارتباط متوازن با ابعاد گوناگون تربیتی انسان، در عرصه عمل، هنوز طراحی اهداف تلفیقی با تأکید بر ساحت تربیت اقتصادی در محتوای درسی حلقه ای ناپیداست که نیازمند پژوهش ها و طرح های تحقیقاتی در این حوزه می باشد، زیرا جهان امروز دریافته است که توجه به آموزش و تربیت افراد نوعی سرمایه گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری کند، بدون شک از ثمرات آن در آینده برخوردار خواهد شد. جوامع پیشرفته اغلب از نظام تربیتی توانمند و کارآمدی برخوردار هستند. این کشورها نسبت به هر گونه ضعف در فهم مفاهیم و مهارت های مربوط به تصمیم گیری و تحلیل اقتصادی حساس هستند و برنامه هایی برای مقابله با آن از کودکستان تا دانشگاه از طریق برنامه های رسمی و غیررسمی تدارک می بینند. آنگونه که در بررسی اجمالی از مستندات این قبیل برنامه ها و اهداف و محتوای آنها به دست می آید، هدف این آموزش ها فهم خوب و کافی از دانش اقتصاد برای آحاد آن جامعه است؛ به گونه ای که در عرصه مسائل اقتصادی

شخصی و مسائل پیچیده تر از قبیل سیاست های اقتصادی کشور، بتوانند ادراک، قضاوت و رفتارهای مستدل و عقلایی را در یک دنیای پیچیده و متحول از خود نشان دهند.

از طرفی نتایج نشان داد تدریس با رویکرد علمی فناوری بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۲۰ درصدی دارد. نتایج تحقیق با مطالعات نتایج تحقیق با مطالعات (Fakhri et al., ۲۰۲۳), Kaviani Morshidi Boini (۲۰۲۳), Vafaei et al. (۲۰۲۳) همسو می باشد. حد مطلوب رشدیافتگی در این ساحت آن است که ببینیم وقتی دانش آموخته نظام تعلیم و تربیت ما در زندگی به مسئله ای برخورد می کند، آیا می تواند به سراغ منابع علمی آن حوزه برود و با روش علمی پاسخی بیابد یا نه؟ آیا امکان آزمایش کردن و فرضیه سازی و رد و قبول منابع علمی را دارد یا نه؟ در کتاب های علوم دوره ابتدایی برای تحقق این هدف تلاش خوبی صورت گرفته و فارغ از موضوعی که در درس های علوم دنبال می شود، به دنبال تربیت یک «دانشمند کوچولو» است. مشاهده کردن، تجربه کردن، فرضیه ساختن و مانند آن ها در این کتاب ها پیگیری می شود. در مقایسه با علوم، درس ریاضی کمتر این ساحت را تقویت می کند! البته در دوره های تحصیلی بالاتر، همین درس علوم که به فیزیک و شیمی و زیست شناسی تبدیل می شود هم از این رویکرد فاصله می گیرد. متأسفانه در سرفصل های علوم اجتماعی و انسانی که زیرساخت فناوری های امروز، به خصوص فناوری های رسانه ای هستند، اصلاً به این سمت نمی روند و بچه ها روش علمی در جامعه شناسی و اقتصاد و دیگر موضوعات را نمی آموزند. علوم انسانی رسانه های مجازی به بچه ها فرصت رشد می دهند؛ امکان برقراری ارتباط افراد با همدیگر، امکان مشاهده نظرات و اندیشه های گوناگون، امکان مواجهه با نقدها و فکرهای متفاوت. اتمسفر رسانه های جدید، علوم انسانی را تقویت می کند. گفت و گو، تفکر انتقادی، قضاوت، تضارب آرا، تحمل نظرات دیگران و جست و جوی قطعات دانش از منابع پراکنده، به جای منبع واحد و تقویت تفسیر نظرات و اندیشه ها که همگی از شاخصه های تفکر علمی و روش علمی در پارادایم تفسیری است، در ساختار رسانه های مجازی تنیده شده است. لذا شما با بچه هایی طرف می شوید که راحت اظهار نظر و بحث می کنند و حرف طرف مقابل را سخت می پذیرند. یعنی حتی اگر بچه ها تمایلی هم به این مهارت ها و نگرش ها نداشته باشند، زندگی در دنیای رسانه ها این فضا را برایشان ایجاد می کند. طبیعی است که وقتی علم مدرن در توسعه فناوری های صنعتی و رسانه ای پیشرفت می کند، بشر را با محصولات این توسعه درگیر می کند. امروز علم آن قدر در حل مسائل علوم طبیعی و تجربی توسعه یافته و به ساخت ابزارهای کاربردی برای زندگی دست پیدا کرده که بچه های ما به سختی می توانند در جایگاه نیوتن قرار بگیرند و از طبیعت سؤالات عمیق بپرسند. چون معلومات مدرسه ای تا رسیدن به مرزهای علوم تجربی فاصله زیادی دارد و پیش از این، افراد زیادی این مسیر را پیموده اند و دستاوردهای این تجربه های پیشین امروز در کوله پشتی یا جیب هر دانش آموزی پیدا می شود.

طبق نتایج پژوهش تدریس با رویکرد زیباشناختی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان دبستانی منطقه ۶ اصفهان تأثیر ۱۹ درصدی داشت. نتایج تحقیق با مطالعات (Fakhri et al., ۲۰۲۳), Kaviani Morshidi Boini (۲۰۲۳), Vafaei et al. (۲۰۲۳) همسو می باشد.

هدف آموزش زیبایی شناسی به جز رشد شخصی و توسعه انسانی با برنامه های تربیتی، اجتماعی و سیاسی کلانی هم در پیوندی مستقیم است. یک سر خط آموزش زیبایی شناختی، در ارتباط نزدیک با یاری جستن از هنر برای رقابت پذیر کردن بین المللی نیروی کار در جهان توسعه مبتنی بر دانش است. آموزش هنرها، اثرات مثبت بر زمینه های انسجام اجتماعی، سلامت و رفاه، تربیت و یادگیری داشته است. به سخن دیگر، آموزش هنر سبب شده است، به میزان قابل توجهی، آموخته های نظری و مهارتی به دنیای کار انتقال داده شود. هنرهای زیبا فرآیند یادگیری را ارتقا می دهند. دستگاه هایی که هنر پرورش می دهد، شامل دستگاه های درهم تنیده حسی، عاطفی، شناختی، احساسی و توانایی های حرکتی می شوند. در واقع، آن ها نیروهای محرک ورای همه یادگیری ها هستند. این بدان معنا نیست که نمی توان بدون هنر یاد گرفت، چرا که بسیاری بدون هنر یاد می گیرند. اما هنر فرصت هایی برای رشد و بلوغ دستگاه های چندگانه مغز به طور همزمان فراهم می آورد که سنجش هیچ یک آسان نیست چراکه از فرآیند هایی پشتیبانی می کنند که نتایج درهم آمیخته ای دارند. دستگاه ها و فرآیندها به خودی خود نتیجه ای ندارند. آزمودن نتایج به جای فرایندها رشد دستگاه های عصبی - زیستی راکه به آنها اتکا می کنند، محدود می سازد. در این صورت دانش آموزان

به جای توجه به فرایند تولید هنری و درک زیبایی تلاش خواهند کرد هنر را به کناری نهاده و برای اخذ نمرات ممتاز بکوشند. یادگیری زیبایی شناسانه، به معنای پیوند زدن اندیشه و احساس است. از طریق هنر، افکار و احساسات ابراز می شوند. تصویر و یادمانی که مردمان هر شهر و دیاری می سازند، برای آن است که احساساتشان را نسبت به زندگی نشان دهند. هنر حائز اهمیت است، چون راه ژرف اندیشی و فهم عمیق را هموار می سازد. همه کودکان نمی توانند هنرمندان بزرگی شوند، ولی می توانند حس زیبایی شناسی را در خود پرورش دهند و ارزش هنر را بدانند. معلمان به شیوه های گوناگون می توانند در یادگیرندگان، حس زیبایی شناسی را پروراند. برای مثال، فعالیت های علمی، زمینه خوبی برای بیان هنری و زیبا هستند. برای آن که، در فعالیت های علمی، دانش آموزان با موادی مثل سنگ، چوب، برگ درختان و گل ها و... کار می کنند. دانش آموزان می توانند گل ها را ببینند، بر سطح سنگ ها دست بکشند و آنها را لمس کنند و با تمام حواس خود به کشف ظرافت اشیا بکوشند. با توجه به نتایج بدست آمده باید گفت رویکرد تمام ساحتی بعد غیرقابل پیش بینی یادگیری است. طراحی آموزشی بدون توجه به این بعد، غفلت از بخش مهمی است که در یادگیری دانش آموزان تأثیر فراوان دارد. لذا پیشنهاد می گردد رویکرد تمام ساحتی به عنوان یک رشته برنامه درسی مورد بررسی قرار گیرد. طرح این مفهوم سبب شده است تا نگاه سطحی نگرانه نسبت به پدیده برنامه درسی کاهش یافته و به صورت اجرایی در برنامه های آموزشی مدارس مدنظر قرار گیرد. اصولاً استعدادهای دانش آموزان در محیط های مطلوب و مناسب شکوفا می شوند. ازاین رو پیشنهاد می شود با فراهم آوردن فضای مناسب یکی از ملزومات مهم در جهت متبلور کردن توانایی پرسشگری و افزایش خلاقیت در دانش آموزان در حیطه های این رویکرد فراهم آورد. با توجه به نتایج این مطالعه به مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد می گردد در برنامه ریزی های آموزشی، زمانی را به برگزاری جلسات آموزش و استفاده از این نوع تدریس به معلمان با توجه به چشم اندازهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حداقل برای یک دوره در هر یک از دوره های تحصیلی اختصاص دهند. همچنین پیشنهاد می گردد با سوق دادن دانش آموزان به شرکت در این جلسات با انتقال آموخته هایشان به محیط آموزشی و حتی زندگی واقعی، می توان به رشد خلاقیت و داشتن تجربه های خلاق در آنها در زمینه های مختلف امیدوار بود نهایتاً شیوهی ارتباط و تعامل در فرایند آموزش حاصل خواهد شد.

References

- Fakhri, M., Royin Tan, Z., Kazemi, Z., Farrokh Lagha, R., Champion, M., & Salehi, A. (۲۰۲۳). The role of full-scale teaching in flourishing the spirit of questioning and creativity of students in school. *The second scientific conference of researchers*. [In Persian]
- Faraji, N., & Bidel, N. (۲۰۱۵). Investigating strategies to increase students' interest and motivation in mathematics, the fourth national conference on sustainable development in educational sciences and psychology, *social and cultural studies*, Tehran, [In Persian]
- Farhanaz, H. M., Bayat M.R., & Maliki. S. (۲۰۲۰). Review of the "fundamental transformation of education" research center of the Islamic Council. [In Persian]
- Gadami, M. (۲۰۱۵). *Examining the theoretical foundations of the separation and comprehensive approaches of totalization in exceptional education and providing a model for Iran's education*, PhD thesis, Tarbiat Moalem University, Tehran. [In Persian]
- Ganji, H., Sharifi, H, P, & Mirhashmi, M. (۲۰۱۴). The effect of brainstorming method in increasing students' creativity, *Journal: Education and Training*, Year: ۲۰۱۴, Course: ۲۱, Number: ۱ [In Persian]
- Gurchian, N. (۲۰۱۳). *An analysis of the continuous curriculum, a new debate in the unknown dimensions of education*, Tehran; Research and Planning Quarterly in Higher Education, ۱۲(۴۹): ۴۱-۴۶. [In Persian]
- Herman Jr, E. J. (۲۰۲۱). *A Case Study Exploring the Impact of Technology Integrated Curriculum on the Student-Teacher Relationship; from an Educator's Perspective* (Doctoral dissertation, University of Phoenix).
- Kakojoybari, A. A. & Hospian, A. (۲۰۱۸). Philosophical foundations of all-round comprehensive education. *Tehran: Side*. [In Persian]

- Kaviani, A., & Murshedi Boyini, M. (۲۰۲۳). To investigate the six areas of education in the curriculum of the sixth grade from the teachers' point of view. The ۱۳th international conference on interdisciplinary studies of psychology, *counseling, education and educational sciences*. [In Persian]
- Maleki, H. (۲۰۲۰). Official planning, (practical guide) Tehran; School publications. [In Persian]
- Nejat, Jaafar (۲۰۱۸). *Hidden curriculum and development of social skills*, development of social science education. [In Persian]
- Seif, A. A. (۲۰۱۸). *Educational psychology (learning and educational psychology)*, ۴th edition, Tehran, Aghaz. [In Persian]
- Shabani, H. (۲۰۱۹). *Educational and educational skills (teaching methods and techniques)*, (Volume ۱, ۱۶th edition, Tehran, Samit Publications) [In Persian]
- Stigler, J. (۲۰۲۳). *The best ideas for teachers in the world to improve teaching in the classroom*, translated by Sarkar Araei, Mohammad Reza, Moghadam, Alireza (۱۴۰۰), Madrasah Publications, Tehran. . [In Persian]
- Vafa'i R, Fazlollahi Ghomshi S, Taleifard A. (۲۰۱۷). The Coverage of the Six Educational Domains of Fundamental Reform Document of Education in Primary School Social Studies Textbooks. *qaiie*. ۲(۲), ۱۳۱-۱۵۴. [doi:10.29252/qaiie.2.2.131](https://doi.org/10.29252/qaiie.2.2.131). [In Persian]
- Zareian, A., & Starzadeh, M. (۲۰۱۸). An approach on the nature and nature of future research, *Islamic Republic of Iran Army School of Nursing Journal*, ۱۱th year, No. ۱ Fundamental change document of the Ministry of Education ۲۰۱۹. <https://civilica.com/doc/۸۹۸۶۳۹> [In Persian]